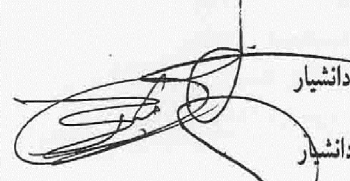
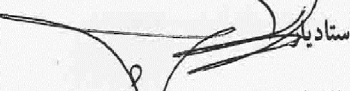





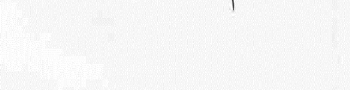


الله أكبر
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد
صلواتك كلها
فعلينا

باسمه تعالی

تأییدیه اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع از رساله دکتری

اعضاء هیأت داوران نسخه نهایی رساله آقای امیرعباس عزیزی فر تحت عنوان «تیب شناسی در قصه- های عامیانه مکتوب ایرانی» را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آن را برای تکمیل درجه دکتری پیشنهاد می کنند.

اعضاء هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
۱- استاد راهنما	دکتر ناصر نیکویخت	دانشیار	
۲- استاد مشاور	دکتر حسینعلی قبادی	دانشیار	
۳- استاد مشاور	دکتر حسن ذوالفقاری	استادیار	
۴- استاد ناظر	دکتر سعیدبزرگ بیگدلی	دانشیار	
۵- استاد ناظر	دکتر غلامحسین غلامحسین زاده	دانشیار	
۶- استاد ناظر	دکتر مهدی نیک منش	دانشیار	
۷- استاد ناظر	دکتر محمد پارسانسب	دانشیار	
۸- نماینده تحصیلات تکمیلی دانشکده	دکتر سعیدبزرگ بیگدلی	دانشیار	

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته
سال در دانشکده

سرکار خانم/جناب آقای دکتر ، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر
دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی

و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر
از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب: امیرعباس عزیزی فر دانشجوی رشته: زبان و ادبیات فارسی مقطع: دکتری

تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: امیرعباس عزیزی فر

تاریخ و امضا: ۱۳۹۰/۲/۲۱

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه های مصوب انجام شود.

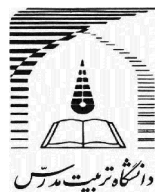
ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب (.....) دانشجوی رشته..... در تاریخ..... ورودی سال تحصیلی..... مقطع..... دانشگاه..... متعهد می شوم کلیه نکات مندرج در آئین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته های علمی مستخرج از پایان‌نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین‌نامه فوق‌الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضا:.....

تاریخ:.....



رساله برای دریافت درجه دکتری زبان و ادبیات فارسی

تیپ شناسی در قصه‌های عامیانه مکتوب ایرانی
(باتأکید بر هفت قصه‌ی برجسته)

نگارنده

امیرعباس عزیزی‌فر

استاد راهنما

دکتر ناصر نیکوبخت

استادان مشاور

دکتر حسینعلی قبادی

دکتر حسن ذوالفقاری

خرداد ۱۳۹۰

تقدیم:

به تمام پدران و مادران این سرزمین، به تمام ناداشتان نیک اندیش

و به شب لالیهای مادر و روز نستوهیهای پدر؛ به یگانه خواهرم

و برادرانم

سپاسگزاری

انگیزه‌ی نگارنده در اجرای این پژوهش، دلبستگی به ایران، ایرانی، زبان فارسی و فرهنگ دیرپا و غنی ایرانی است که از مولفه‌های همیشگی پیوند همه ایرانیان بوده است. استادان این مرز و بوم، بزرگان بی- ادعایی هستند که هریک برگردن تربیت یافتگان‌شان حقی غیرقابل جبران و انکار ناپذیردارند. در طول دوران دانشجویی از محضر بزرگان زبان و ادب فارسی بهره‌ها بردم. انسان‌های والایی که افزون بر دانش تخصصی، درس زندگی شرافتمندانه و اخلاقی را به دانشجویان‌شان می‌آموزند. از همه این استادانم سپاسگزارم، و متواضعانه سر تعظیم در برابرشان فرو می‌آورم. از محضر استادانی بهره بردم که هر کدام منتی شایان بر گردن این کمینه ریزه خوار فضلشان، دارد. استادانم جناب آقایان دکتر ناصر نیکویخت استاد گرانقدر و فهیم که راهنمایی این رساله را تقبل فرمودند، دکتر حسن ذوالفقاری که طرح اصلی این پژوهش از ایشان بود، دکتر حسینعلی قبادی که زحمت مشاوره این رساله را برعهده گرفتند، دکتر غلامحسین غلامحسین زاده مدیرمحرترم گروه که همواره در این مسیر راهنمای ارزنده‌ای بودند، دکتر سعید بزرگ بیگدلی که الحق بزرگند و بزرگوار درخور تکریم. لازم می‌دانم تشکر ویژه و درخوری داشته باشم از استاد زندگی‌ام؛ همو که همواره استادم خواهد ماند، استاد گرانقدرم جناب آقای دکتر مهدی نیک منش انسانی به تمام معنا فاضل، دانشمند و معزز، همواره راهنماییهای ایشان حلیه‌ی گرانبهای زندگی‌ام خواهد بود و مراتب شاگردی و ادب خود را در همینجا به ایشان تقدیم می‌کنم.

و در پایان از دوستانم و یاران همکلاس دیروز و امروزم: آقای سیدمهدی بی نظیر، ایوب مرادی، هیبت الله اکبری گندمانی، حسین محمدی، سعید رحیمی، موسی کرمی و سرکار خانم زهرا لریستانی تشکر می‌کنم.

خرداد ۱۳۹۰ خورشیدی

چکیده

قصه‌های عامیانه فارسی دارای ظرفیت‌ها و توان‌مندی‌های بالقوه پژوهشی فراوانی است. به رغم تنوع و وسعت این قصه‌ها، تاکنون درجایی به صورت جامع به طبقه‌بندی و تحلیل کارکردی عناصر این قصه‌ها از جمله «تیپ»های گوناگون قهرمانان قصه‌های عامیانه ایرانی، اشاره نشده است. قصه‌ها نیز همچون هر داستان، حکایت و روایتی دارای قهرمان است، اما این قهرمان با تصویری که از آن در نزد عامه وجود دارد، همخوان نیست. این تحقیق در پی پاسخ دادن به این مسائل است که چه تفاوت‌هایی بین قهرمانان قصه‌های عامیانه با شخصیت‌های کُنش‌گر داستان‌ها و رُمان‌های معاصر دیده می‌شود، از این گذشته مبانی شناخت تیپ در قصه‌ها چیست و این اشخاص در چه دسته و طبقه‌ای از طبقه‌بندی اجتماعی قرار می‌گیرند؟ در این تحقیق با بررسی نظریات صاحب نظرانی همچون پراپ، آرنه تامپسون و مارزلف، به طبقه‌بندی تیپ‌های کُنش‌گر قصه‌های مهم عامیانه فارسی پرداخته شده، برای هر تیپ، گُدی اختصاص داده شد. هدف این پژوهش تیپ‌شناسی اهم قصه‌های عامیانه ایرانی، شامل هفت قصه‌ی: سمک عیار، ابومسلم نامه، داراب نامه طرسوسی، اسکندر نامه، حمزه نامه، حسین‌کرد شبستری و امیر ارسلان نامدار است. به دلیل شهرت، طیف وسیع خوانندگان، اقبال عمومی بسیار و حجم وسیع این قصه‌ها، از میان قصه‌های گوناگون فارسی، به این هفت قصه پرداخته شده است. پس از بررسی این قصه‌ها مشخص شد که علاوه بر تکرار حوادث، که سازنده‌ی پیرنگ قصه است، تکرار قهرمانان نیز دیده می‌شود، کُنش‌ها نیز تکراری و قابل پیش‌بینی‌اند، درونمایه در حضور تیپ‌ها و بسامد آنان تأثیرگذار است و بنا به اقتضای درونمایه، تیپ‌های خاصی محور قصه قرار می‌گیرند، و نیز درباریان حضور پررنگی نسبت به دیگر تیپ‌ها دارند.

واژگان کلیدی: قصه‌ی عامیانه، طبقه‌بندی قصه، تیپ‌شناسی قصه، جامعه‌شناسی تیپ، شخصیت در

داستان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: مقدمه و کلیات طرح تحقیق
۲	۱-۱. مقدمه
۴	۲-۱. تعریف مسئله
۶	۳-۱. اهداف پژوهش
۶	۴-۱. پیشینه‌ی تحقیق
۸	۵-۱. سؤالات تحقیق
۸	۶-۱. فرضیه‌ها
۹	۷-۱. ضرورت تحقیق
۱۰	۸-۱. روش تحقیق
۱۱	فصل دوم: کلیات و تعاریف قصّه و قصّه‌ی عامیانه
۱۲	۱-۲. کلیات قصّه و قصّه‌ی عامیانه
۱۴	۲-۴-۱. نقد تعاریف
۱۵	۲-۵-۱. قصّه و ادبیات عامیانه
۱۷	۲-۲. تاریخچه‌ی قصّه
۱۹	۲-۳. قصّه و اسطوره
۲۲	۲-۴. قصّه و حماسه
۲۴	۲-۵. بنمایه
۲۵	۲-۱-۵. گونه‌های بنمایه

۲۸	۶-۲. ویژگی‌های زبانی قصه
۳۱	۷-۲. ویژگی‌های ساختاری قصه‌های عامیانه
۳۳	۸-۲. عناصر قصه
۴۲	۹-۲. روایت
۴۳	۱۰-۲. تیپ
۴۹	۱۱-۲. تفاوت تیپ و شخصیت
۵۲	۱۲-۲. طبقه بندی قصه
۵۸	۱۳-۲. روش ما
۶۶	خلاصه فصل دوم
۶۸	فصل سوم: معرفی قصه‌ها و استخراج تیپ‌های هر قصه
۶۹	۱-۳. سمک عیار
۷۹	جدول تیپ‌های قصه‌ی سمک عیار
۸۴	۲-۳. ابومسلم نامه
۹۳	جدول تیپ‌های قصه‌ی ابومسلم نامه
۱۰۰	۳-۳. داراب نامه طرسوسی
۱۰۵	جدول تیپ‌های قصه‌ی داراب نامه
۱۰۹	۴-۳. اسکندرنامه
۱۱۴	جدول تیپ‌های قصه‌ی اسکندر نامه
۱۱۷	۵-۳. حمزه نامه
۱۲۱	جدول تیپ‌های حمزه نامه

۱۲۵.....	۳-۶. حسین کرد شبستری.....
۱۲۸.....	جدول تیپ‌های قصه‌ی حسین کرد شبستری.....
۱۳۲.....	۳-۷. امیر ارسلان نامدار.....
۱۴۰.....	جدول تیپ‌های قصه‌ی امیر ارسلان نامدار.....
۱۴۳.....	خلاصه فصل سوم.....
۱۴۷.....	فصل چهارم: تحلیل کارکردی تیپ‌ها.....
۱۴۸.....	۴-۱. نگاهی به طبقات اجتماعی در ایران.....
۱۵۰.....	۴-۲. تصویر کلی جامعه در عصر صفویه.....
۱۵۱.....	۴-۳. تصویر کلی جامعه در عصر قاجار.....
۱۵۲.....	۴-۴. تحلیل کارکردی تیپ‌ها.....
۲۶۰.....	خلاصه فصل چهارم.....
۲۶۲.....	فصل پنجم: نتیجه‌گیری و پیشنهادها.....
۲۷۳.....	فهرست منابع.....
۲۸۴.....	چکیده لاتین.....

فهرست جداول

۶۰.....	جدول ۱-۲.....
۶۹.....	جدول ۱-۱-۳.....
۹۳.....	جدول ۲-۱-۳.....
۱۰۵.....	جدول ۳-۱-۳.....
۱۱۴.....	جدول ۴-۱-۳.....
۱۲۱.....	جدول ۵-۱-۳.....
۱۲۸.....	جدول ۶-۱-۳.....
۱۴۰.....	جدول ۷-۱-۳.....

فصل اول

مقدمه و کلیات طرح تحقیق

۱-۱. مقدمه

قصه‌ها و افسانه‌ها، از مشهورترین و شناخته‌ترین جلوه‌های ادب شفاهی محسوب می‌شوند. ادب شفاهی دوشادوش دیگر آثار رسمی، مکتوب و کلاسیک، بازتاب فرهنگ و اندیشه‌ی مردم هر سرزمینی است. قصه‌های عامیانه که غالباً با بخش عظیم و مهم جامعه؛ یعنی عامه مردم سر و کار دارد و و بیشتر خاص این طیف از جامعه است، یکی از انواع مهم ادب شفاهی محسوب می‌شود که گنجینه‌ای سترگ از اعتقادات، باورها و آداب و رسوم گاه فراموش شده یک ملت را در خود نهان کرده است. این قصه‌ها، در بردارنده لایه‌های درهم تنیده‌ای از اندیشه‌ها، خواسته‌ها، آرزوها، ترس‌ها و خرافه‌ها، اسطوره‌ها، باورها، آیین‌ها و بنمایه‌های حماسی و داستان رشادت‌ها و دل‌آوری‌های دیرین یک ملت را دربردارند، این بخش عظیم ادبی و فرهنگی یک ملت که به عنوان ادب شفاهی از آن یاد می‌شود، بعدها به منظور حفظ و نگهداری برای بازخوانی آن توسط آیندگان و انجام مطالعات فرهنگی، به صورت ادب عامیانه مکتوب به رشته تحریر درآمده است.

ادبیات شفاهی هر قوم و ملتی بخش عظیمی از فرهنگ معنوی آن ملت است که سینه به سینه از نسل‌های قدیم تا به امروز نقل شده و در گذر زمان، حافظ هویت فرهنگی ملت‌ها بوده است. ادبیات عامیانه از فرهنگ عامه یا فرهنگ توده سرچشمه گرفته است و در اصطلاح از آن به «فولکلور» (Folk lore) تعبیر می‌شود. «فولکلور» در لغت به معنی دانش مردم است (فرهنگ=lore، عامه و مردم=Folk) و زندگینامه‌ی یک ملت به شمار می‌رود، بنابراین با واقعیات زندگی مردم پیوند دارد و بازتاب زندگی اجتماعی و فرهنگی، شیوه کار و تولید آنها، سیر تحولات فکری یک ملت و رفتار، منش، مذهب و اعتقادات یک جامعه است و از آنجا که کشور ما طی قرون، گذرگاه اقوام بسیاری بوده، صاحب ادبیات عامیانه‌ای غنی می‌باشد.

ادبیات عامیانه بیشتر به گونه‌ی شفاهی، که البته برخی از این شفاهی‌ها خوشبختانه به کتابت نیز درآمده، از نسل‌های پیشین به ما رسیده و در میان توده مردم رواج دارد. این نوع ادبیات بیشتر به صورت: مَثَل‌ها، مَثَل‌ها، معماها، لغزها، چیستان‌ها، دوبیتی‌ها، فهلویات، تقلید از زبان حیوانات، ترانه‌ها، قصه‌ها، حکایات مربوط به حیوانات، تصنیف‌های عامیانه، داستان‌های حماسی- پهلوانی، داستان‌هایی که در مجامع عمومی همچون قهوه‌خانه‌ها می‌خواندند، مرثیه، نقالی، شاهنامه خوانی، نمایش‌هایی مانند: تعزیه، خیمه شب‌بازی، پهلوان کچل و... برای مردم آشناست. از میان انواع مختلف ادبیات شفاهی، قصه نقش برجسته و قابل توجهی دارد، چرا که قصه به واسطه جذابیت و گیرایی که برای مخاطب داشته است، زمینه ترویج و اقبال بیشتری یافته است.

برای قصه شاید نتوان زمان و تاریخ مشخصی تعیین کرد، میل به قصه‌گویی، قصه‌سرایی و قصه‌نیوشی، در تمام طول تاریخ حیات بشری با آدمی همراه بوده است، در این بین، قصه‌های عامیانه به واسطه جهان نوردی و شیوع آن در بین تمام اقوام و ملل، توانسته است به آسانی با هر محیط اجتماعی و محلی انطباق یابد و به همین دلیل، در عین قدمت و دیرینگی، همچنان تازه، جذاب و رایج هستند. اندیشه‌ها، تفکرات ژرف و جهان‌بینی خاصی که در پس این قصه‌ها نهفته است، در همان حال که اغلب ریشه در ناخودآگاه جمعی آدمی و ژرفای فرهنگی او دارد، می‌تواند امروزه با گسترش شاخه‌های مختلف علوم، به ویژه علوم انسانی، زمینه مطالعاتی جدید و در نتیجه تعبیر و تفسیری نو بیابد.

قصه نوعی رویاست؛ رویایی شیرین و جذاب که در آن همه چیز به سادگی و راحتی اتفاق می‌افتد، انسانها درست به همان اندازه که خواب و رویا را پناهگاهی امن و وسیع برای خود می‌شناسند و به واسطه‌ی آن به همه‌ی آرزوها و خواسته‌های درونی و دست‌نیافتنی خود به سادگی می‌رسند، به همان سادگی و راحتی در قصه نیز به آنچه آرزو دارند، می‌رسند. این قصه‌ها برای نویسندگان، رویاها و خوابهای شیرین جادویی بوده و هستند که به اکراه از آن بیدار می‌شوند.

قصه‌ها و افسانه‌های عامیانه را می‌توان کهن‌ترین، مستندترین و در عین حال غنی‌ترین منابع شناخته شده و در دسترس هر سرزمینی به شمار می‌روند. اگر ادبیات و فرهنگ یک سرزمین را مجموعه آثار مکتوب، شفاهی و روایی- نقالی یک ملت بدانیم که از آرمان‌ها، باورها، اعتقادات، آیین‌ها و آداب و رسوم، سخن می‌گویند، آنگاه به اهمیت این مقوله فرهنگی- پژوهشی بیشتر پی خواهیم برد.

قصه‌های عامیانه فارسی، امروزه نقشی ویژه پیدا کرده‌اند، اگر افسانه‌ها، قصه‌ها و داستان‌های عامیانه در گذشته نقشی تفننی و سرگرم کننده داشتند و به منظور گذران اوقات نقل می‌شدند، امروزه این کارکرد ابتدایی را از دست داده، کارکردی پژوهشی- فرهنگی درمجامع بین‌المللی، دانشگاهی و علمی یافته‌اند.

نخستین بار در اوایل قرن نوزدهم (۱۸۱۴-۱۸۱۲) برادران «گریم» (j&w. grimm) با انتشار «مجموعه قصه‌های عامیانه آلمانی» اقدام قابل توجهی در سطح جهان برای گردآوری و بررسی قصه‌ها به انجام رساندند، پس از این اقدام که در واقع به عنوان یک مطالعه آغازین و پایه به منظور عطف توجه جهانیان به این بخش از ادبیات جهان، محسوب می‌شود، محققان کوشیدند از زاویه‌ای دیگر و از منظر دسته‌بندی، تبویب و طبقه‌بندی قصه‌های عامیانه، به این بخش از ادبیات جهان توجه کنند. در اوایل قرن بیستم (۱۹۱۰م) «آرنه- تامپسون» فهرستی از انواع قصه، براساس مضمون و درونمایه منتشر کردند. ولادیمیر پروپ (v. propp) یکی دیگر از محققانی بود که از منظر دیگر به بررسی قصه‌ها و افسانه‌های عامیانه پرداخت و مطالعات «ریخت شناسی- ساختگرایی» این قصه‌ها، برخاسته از مطالعات ایشان است، کار ایشان در واقع بررسی عناصر ساختاری برمبنای نظریه‌ی فرمالیسم است و بیشتر در حوزه گنش و خویشکاری شمار معدودی از عناصر قصه، شناخته شده است.

۱-۲. تعریف مسئله

موضوع اصلی این پژوهش بررسی قصه‌های عامیانه مکتوب منشور ایرانی است. در ابتدا باید بدانیم قصه‌ی عامیانه چگونه قصه‌ای است. اغلب قصه‌ی عامیانه را چنین تعریف کرده‌اند: قصه‌هایی که حاوی سرگذشت‌ها و ماجراهای شاهان، امیران، بازرگانان و مردان و زنانی است که برحسب تصادف با وقایع جالب و گیرا و در عین حال عبرت‌آموز و حکمت‌آموز روبرو شده‌اند، این نوع قصه‌ها، اغلب جنبه پهلوانی، سلحشوری و حماسی دارند؛ مانند: سمک عیّار، داراب نامه، اسکندر نامه و... البته برخی از این قصه‌ها، صبغه اساطیری و رمزی نیز پیدا می‌کند؛ مانند داراب نامه. به هرروی منظور از این نوع داستان‌ها، قصه‌های منثور است که از آنها به عنوان مصداق و تمثیلی برای موضوع و مطلب دیگری استفاده نشده و در ادبیات داستانی ما به استقلال درآمد و خود «نوعی» (ژانری) مستقل به حساب می‌آیند که به عنوان ادبیات عامه از آنها یاد می‌شود که

شامل قصه‌های عامیانه کوتاه و قصه‌های عامیانه بلند است و طبعاً مخاطب غالب و اصلی آنها عامه‌ی مردم می‌باشد.

در قصه‌های مورد نظر به جای حضور و ظهور شخصیت، معمولاً اشخاص یکنواخت، یکسان و هم‌گنشی حضور دارند که در غالب قصه‌ها این اشخاص در زیّ یکسان، گنش‌های تکرار پذیر و ایستایی انجام می‌دهند که به عنوان تیپ شناخته می‌شوند.

شخصیت و شخصیت‌پردازی که پویایی و تحول از ویژگی‌های بارز آن است، در داستان‌ها و رمان‌های امروزی بیشتر دیده می‌شود؛ چرا که پیچیدگی‌های زندگی امروزی و پیچیدگی‌های تعامل و رفتار انسان مدرن امروزی، جایی برای ایستایی، تکرارپذیری، یکنواختی و «قابل پیش‌بینی» بودن او نمی‌گذارد. شخصیت‌های داستانی معمولاً انسان‌هایی هستند که به اقتضای داستان و موقعیت آن، پا به عرصه‌ی داستان می‌نهند و گنش‌های مورد نظر او را به انجام می‌رسانند و در نهایت نیز با خواست نویسنده و به اقتضای خط سیر داستان یا رمان، از صحنه‌ی داستان خارج می‌شوند، از طرفی شخصیت در داستان ارتباط محکمی با طرح (plot) دارد، در قصه‌ها، که معمولاً پیچیدگی طرح همچون داستان یا رمان امروزی در آن دیده نمی‌شود و از طرفی مخاطب آن نیز دارای آن پیچیدگی‌ها و تو‌های (لابیرنت) ذهنی مخاطب داستان امروز نیست، به جای شخصیت و شخصیت‌پردازی، به قهرمان، قهرمان‌پردازی و در یک سخن به تیپ‌گرایی و تیپ‌سازی پرداخته می‌شود و اشخاص و قهرمانانی در آن ایفای نقش می‌کنند که فاقد پیچیدگی‌های رفتاری، اخلاقی و کرداری است.

تیپ به گروهی از افراد اطلاق می‌شوند که از منظر اجتماعی در یک پایگاه قرار گرفته، دارای رفتارها، کردارها و موازین خاص خودند، این افراد با ظاهر، گفتار، مشی و زبان خاص خود تعریف می‌شوند، «عنصر مسلط» برای شناسایی این افراد «اشتراک» است؛ به قول فورستر اینان (افراد تیپیک) در اشکال ناب خود برگرد یک فکر یا کیفیت واحد ساخته می‌شوند، آنان را می‌توان در یک جمله بیان کرد، از مزایایشان این است که هرگاه ظاهر شوند، به سهولت باز شناخته می‌شوند و دیگر اینکه خواننده بعدها ایشان را به سهولت به یاد می‌آورد، علاوه بر این چون در قصه‌ها اساساً طرح (plot) ضعیف است، شخصیت‌پردازی در آن نمی‌تواند حضوری پررنگ داشته باشد. تیپ خاص چنین قصه‌هایی است که فاقد طرح قوی است.

این پژوهش به «بررسی تیپ‌های مختلف قهرمانان امهات قصه‌های عامیانه مکتوب منشورایرانی» می‌پردازد؛ زیرا یکی از زمینه‌های مطالعه علمی در باب قصه‌های عامیانه فارسی، دسته‌بندی و طبقه‌بندی روش‌مند و علمی قهرمانان گوناگون قصه‌هاست، با این دسته‌بندی و تحلیل، می‌توان به گوشه‌ای از ابعاد و زوایای پیدا و نهان زمینه‌های تحقیقی و نیز ظرفیت‌های پژوهشی قصه‌های عامیانه پی برد.

۱-۳. اهداف پژوهش

این پژوهش با هدف گشودن روزنه‌ای جدید به روی مطالعات «افسانه پژوهی - دانش عامه‌کاوی» صورت می‌گیرد و در پی آن است که نشان دهد ادبیات عامیانه توانایی‌های بالقوه فراوانی برای پژوهش در عرصه‌های مختلف علوم انسانی از جمله: ادبیات، جامعه‌شناسی، علوم اجتماعی، روان‌شناسی و... دارد. عطف توجه دانش پژوهان، فرهنگ دوستان و محققان عرصه‌ی ادب فارسی و نیز جامعه‌شناسان و اسطوره‌پژوهان و دیگر متولیان و علاقه‌مندان عرصه فرهنگ به فرهنگ عامه‌ی فارسی، هدف کلی و تیپ شناسی قهرمانان اهم قصه‌های عامیانه ایرانی هدف ویژه و محوری این پژوهش است.

۱-۴. پیشینه‌ی تحقیق

تا کنون پژوهش‌ها و مطالعات فراوانی در زمینه قصه‌ها و داستان‌های عامیانه تحت عنوان «فولکلور» یا ادبیات عامه صورت گرفته است. با وجود دیرینگی قصه، قصه‌گویی و قصه‌پردازی در ایران، هنوز تحقیقات انجام گرفته نتوانسته است به تمامی زوایا و خبایای این منبع غنی و وسیع پژوهشی - ادبی - فرهنگی اشراف داشته باشد.

با وجود دیرینگی قصه، شاید اولین اقدام جدی و موثر در زمینه مطالعه قصه‌های عامیانه فارسی را محمد جعفر محبوب انجام داده باشد که در مقالات و سخنرانی‌های متعدد خود، به طرح این مسئله و ضرورت توجه جدی به این بخش از ادبیات کشورمان، پرداخته است، و ضرورت توجه به آن را بر پژوهندگان این سامان فرض دانستند.

قدمعلی سرامی (۱۳۶۸) در فصل سوم کتاب ارزشمند «از رنگ گل تا رنج خار» برای ریخت‌شناسی و ساختار داستان‌های شاهنامه، آنها را از زوایای مختلف طبقه بندی کرده است که البته تعمیم چنان طبقه بندی‌ای به ادبیات عامیانه فارسی نیز ممکن است.

محمد تقوی (۱۳۷۶) در کتاب «حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی» چندین طبقه بندی را بررسی و نقد می‌کند.

ولادیمیر پراپ (۱۳۸۶) در کتاب ارزشمند «ریخت‌شناسی قصه‌های پریان» به طبقه بندی افسانه‌های روسی پرداخته است، اما به صورت مستقل به بحث تیپ‌شناسی قهرمانان قصه‌های عامیانه و طبقه بندی انواع آن و آنگاه تحلیل کارکردی این تیپ‌ها، درجایی، تحقیقی جامع و مختص به این موضوع صورت نگرفته است.

واقعیت امر این است که ایرانیان، تحقیق و مطالعه‌ی جدی در موضوع ادبیات عامیانه را از غریبان آموختند، هر چند در گذشته برخی از ادبا و علمای ایرانی، آثاری در زمینه توجه به فرهنگ عامه پدید آورده‌اند و سعی‌شان مشکور است؛ از جمله: «دیوان‌البسه» از نظام الدین محمود قاری (۱۳۵۹)، «دیوان‌کنز الاشتهاء» از ابو اسحاق اطعمه (؟) و «عقاید النساء» یا «کلثم ننه» منسوب به آقا جمال خوانساری (۱۳۵۵)، با این حال کسانی مانند: کلو وستون (؟)، هانری ماسه (۱۳۴۲)، یان ریپکا (۱۹۶۷م)، آرتور کریستین سن (۱۳۸۶)، الول ساتن (۱۳۷۴ و ۱۳۸۶)، اولریش مارزلف (۱۳۷۱) و... بیش از ایرانیان و به صورت علمی به قصه‌ها و فرهنگ عامه ایران توجه کرده‌اند، بعدها بزرگانی همچون: دهخدا، محمد علی فروغی، صادق هدایت، حسین کوهی کرمانی، فضل الله صبحی مهتدی، امیر قلی امینی، ابوالقاسم انجوی شیرازی، صادق همایونی، حسین علی بیهقی، و حتی محمد علی جمالزاده و اخیراً محمد جعفر محجوب به این قسمت از ادبیات غنی و درعین حال مهجور ایرانی توجه کرده‌اند.

در میان پژوهش‌های دانشجویی (رساله و پایان‌نامه) پژوهش‌هایی همچون: «تحلیل داستان از زبان حیوانات در ادبیات عربی قدیم در چارچوب الگوی ساختاری پراپ» (هومن ناظمیان: ۱۳۸۷)، «بررسی داستان و عناصر آن در مقامات حریری» (محمد حسین کاکویی: ۱۳۸۶)، «نقش زن و روایتگری در قصه هزار و یک شب» (فرهاد مهندس پور: ۱۳۸۶)، «شخصیت‌پردازی، فضاسازی و گفتگو در حکایات مثنوی مولوی» (حمید حسام: ۱۳۷۵)، «بررسی جلوه‌های فرهنگ عامیانه در شعر نظامی» (فاطمه الهامی: ۱۳۷۶)، «بررسی ادبیات داستانی

در عصر قاجار با تأکید بر قصه‌های عامیانه» (محمد دشتی: ۱۳۷۶)، «تحلیل شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستان معاصر» (حمید عبداللهیان: ۱۳۷۸) و... ملاحظه می‌شود که هر کدام از این پژوهش‌ها به نوعی گریزی به قصه و قصه‌پردازی داشته‌اند، اما هر کدام با ماهیت و اهداف پژوهشی این تحقیق متفاوت است.

با این حال محقق این پژوهش بر این اعتقاد است که به صورت جامع، علمی، مختص و نظام مند - با تأکید بر این نکته که افسانه‌ها و قصه‌های عامیانه فارسی ظرفیت و دامنه پژوهشی بسیار دارد - تاکنون تحقیقی که در آن به دسته بندی و طبقه بندی تیپ‌های قهرمانان قصه‌های عامیانه فارسی توأم با تحلیل کارکردی هر تیپ اشاره شده باشد، به دست داده نشده است.

۱-۵. سؤالات تحقیق

در این پژوهش سعی بر آن است که به سؤالات مهم زیر پاسخ داده شود:

۱. چرا قهرمانان قصه‌های عامیانه، اغلب تیپ اند؟
۲. بسامد کدامیک از تیپ‌ها بیش از دیگر تیپ‌هاست و این بسامد به چه منظوری است؟
۳. تحلیل تیپ‌ها بر اساس چه عناصری از قصه‌ها امکان پذیر است؟
۴. در انطباق تیپ‌های قصه‌های عامیانه ایرانی با طبقه بندی جهانی، چه تمایزاتی دیده می‌شود؟

۱-۶. فرضیه‌ها

۱. چون در بیشتر قصه‌های عامیانه، قهرمانان نمی‌توانند به صورت اقناعی خواننده و شنونده را با شگفتی روبرو سازند، و نیز چون قصه‌ها در گذشته به صورت روایت شفاهی به خوانندگان و شنوندگان ارائه می‌شدند، لذا قهرمانان در این قصه‌ها غالباً به صورت تیپ ظاهر می‌شوند تا مخاطب بتواند به راحتی به تمایز شخصیت‌های قصه دست یابد. سادگی قهرمان و پردازش آن، عدم تحول شخصیت در قصه، عدم فردیت گرایی، به سادگی قابل شناخت بودن، در طبقه‌ی اجتماعی خاص قرار گرفتن، داشتن رفتار و کنش ملموس با چاشنی